



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۳۱

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت بیست و هشتم)

فمینیسم لیبرالیستی

طوری که در مقدمه بحث فمینیسم اشاره کردم، فمینیسم در فراز و فرود فعالیت های خویش برای دستیابی به حقوق انسانی، رفع تبعیض جنسیتی و به چالش کشیدن فرهنگ حاکم مرد سالار در جامعه بلاخره تحت شعاع سیاست ها و خطوط فکری متنوع جهان برای اداره جوامع قرار گرفت. که فمینیست های لیبرال با انتباه از طرز تفکر لیبرالیستی که در سالهای واپسین قرن ۱۷ میلادی از جانب اندیشمندان این دیدگاه مطرح گردید، سمت و سو یافت. یعنی اینکه از دامان مکتب سیاسی لیبرالیسم فمینیسم لیبرال سر برآورده و فرایند بازنگری در مفاهیم و نظریات و ساختارهای خود را از همان اندیشه های لیبرال انتباه میگیرد.

اساساً لیبرالیسم یک اندیشه سیاسی است که امروزه معانی زیادی را افاده میکند اما در آوان پیدایش اش حدود چهار قرن پیش منحصتاً یک مفکوره آزادیخواهانه از جانب بورژوازی نوپای و نو ایجاد علیه اشرافیت فیودال و حکومت های خود کامه آن علم مبارزه بلند کرد و جان لاک John Locke (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) فیلسوف انگلیسی که به پدر لیبرالیسم شهرت دارد تیوری و راهکار های لیبرالیسم را اساس گذاشت. بر اساس تیوری جان لاک هیچ قدرتی نباید به سلامتی، زنده گی، اموال و دارایی های دیگران آسیب برساند. که بعد ها فمینیست های لیبرال در تحت شعاع همین اندیشه ها مبارزات شانرا برای انسان متساوی الحقوق در جوامع راه اندازی کردند.

در اندیشه های فمینیسم لیبرال فرد بشر بدون در نظر داشت جنسیت بحیث اصل غیر قابل تفریق فارغ از رنگ، نژاد، رأس، زبان، ملیت و زادگاه بانسبت از حقوق برابر در اجتماع برخوردار باشند. در این نظریات گرایشات زنانه زنان به خانه و خانواده را متأثر از انگیزه های طبیعی و انکشاف چندین هزار ساله روند اجتماعی تقسیم کار جوامع مرد سالار پنداشته میشود. در این دیدگاه لبه تیز مبارزه فمینیست ها برای برابری کامل زنان و مردان در بهره برداری از امتیاز های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و آزادی کامل دیموکراتیک زن و مرد در جامعه میباشد. از افراد برجسته این گرایش فکری می توان از مری ولستون کرافت Mary Wollstonecraft (۱۷۵۹ - ۱۷۹۷) نویسنده، ادیب و اولین فمینیست انگلیسی، هریت تیلر میل Harriet Taylor Mill (۱۸۰۷ - ۱۸۵۸) (مشهور به هریت هاردی فیلسوف و مدافع سرسخت حقوق زنان انگلستان، جان استوارت میل John Stuart

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

Mill (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳) فیلسوف و نویسنده بریتانیایی که کتابها و مقالات فراوانی در باره منطق، شناخت‌شناسی، اخلاق و اقتصاد از خود بجا گذاشته است، گلوریا استینم Gloria Marie Steinem یکی از رهبران اصلی فیمینیسم در آمریکا در دهه های ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم، ربکا واکر Rebecca Walker متولد ۱۷ نوامبر ۱۹۶۹ نویسنده آمریکایی، نائومی ولف Naomi Wolf نویسنده کتاب "افسانه زیبایی"، فمینیست مشهور آمریکایی، بتی فریدان Betty Friedan (۱۹۲۱ - ۲۰۰۶) نویسنده، فعال اجتماعی و فمینیست مشهور آمریکایی و آلیسون جاگرمیتوان نام برد.

از نظر فیمینیست های لیبرال زنان بنابر حاکمیت فرهنگ مرد سالار از مشارکت فعال اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی عمداً بدور نگهداشته شده اند و صرف به امور خانه داری و نگهداری اطفال پرداخته است. این تقسیم کار غیر عادلانه باعث گردیده است تا زنان از سایر امور انسانی جامعه نظیر سیاست، اداره، اقتصاد و فرهنگ به دور بمانند. بنای فیمینیست های لیبرال همه توجه شانرا به زمینه سازی وسیع شرایط تعلیم، تربیه، آموزش و اطلاعات برای زنان معطوف داشته اند، آنها به این باور اند که با سواد، فراگیری دانش و دانش مسلکی، تحصیلات عالی و کسب تجربه زنان را قادر به مشارکت فعال در جامعه میگرداند و این امر به خودی خود باعث فسخ سنت ها و عنعنات زن ستیز در جامعه میگردد. لیبرال فیمینیست ها بر علاوه در پی قانونی ساختن حقوق برابر زنان در همه عرصه های زنده گی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میباشند. یعنی آنها قانون پذیری را یکی از مولفه های اصلی تأمین نظم اجتماعی میپذیرند. در لیبرال فیمینیسم همه انسانها بنام انسان تعریف شده اند در این تعریف جنسیت (مرد و زن) وجود ندارد. فیمینیست های لیبرال خواستار حقوق برابر شهروندی برای همه افراد جامعه اند و با اشکال فریبده قوانین زیر نام حمایت از زنان و سنت های حق تلف کن جامعه در تضاد بوده و علیه آن مبارزه میکند.

لیبرال فیمینیسم با تمام نیرو و امکانات خویش برای رهایی زنان از قیدسیطره سرکوبگر فرهنگ مرد سالار مبارزه کرده و در پی قانونمندی سازی جامعه برای حقوق مساوی شهروندان، تحصیلات همگانی، مشارکت همگانی در اقتصاد، اداره، صنعت، فرهنگ و سیاست میباشند. این فیمینیست ها مخالف همه انواع کلیشه سازی شغلی برای زنان و مردان بنام مشاغل زنانه و یا مردانه میباشند آنها معتقد اند که خصوصیت ها و توجیحات کنونی زنان بیشتر متأثر از رشد اجتماعی و فیزیکی زنان در زیر سیطره فرهنگ مرد سالار میباشند.

بدین ترتیب میبینیم که برابری فرد، آموزش یکسان، مشارکت همه شهروندان در کلیه امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اصول زرین اندیشه لیبرال فیمینیسم را تشکیل میدهد و از این سبب است که این گروه در میان فیمینیست های متنوع دیگر در جوامع بشری پایگاه اجتماعی وسیعتر را احراز کرده اند.

در فیمینیسم لیبرال تأکید بر جوهر انسانیت صورت گرفته و انسان را از تبعیض بنابر جنسیت پرهیز میدارد. در ارزیابی های فیمینیست های لیبرال جوامع انسانی در شرق و غرب بر مبنای اندیشه های مرد سالار و زن ستیز استوار میباشند. و در این اندیشه ها جایگاه اجتماعی زن نا برابر با مردان است، زنان در عین موقعیت شغلی حقوق کمتر از مردان بدست می آورند، زنان در مقایسه با مردان از فرصت ها، ثروت ها و امکانات معیشتی جامعه کمتر برخوردار میگردند. و این نا برابری ریشه در حاکمیت فرهنگ مرد سالار در جوامع بشری دارد. هر چند محتمل است افراد بشر از نظر استعداد ها، توانمندی ها و امکانات فیزیکی و شیوه تفکر تفاوت هایی باهم داشته باشند ولی به هیچ صورت نمیتواند این تفاوت ها متکی بر جنسیت باشد. در حقیقت همه انسانها با لزام ها و فرصت های موقعیت اجتماعی زنده گیشان خود را مطابقت میدهند.

فیمینیست های لیبرال به این باور اند که دادن امتیازات ظاهری، استفاده نمادین از زنان در موقعیت های رهبری و اداره و اصلاحات فریبده قوانین اجتماعی برای زنان هیچگاه نمیتواند مشکل نا برابری جنسیتی را در جوامع رفع کند. آنها به این نظر اند که وجه ممیزه انسانها با سایر زنده جانها در خرد ورزی است و این خرد ورزی است که ما را از سایر زنده جانها متمایز میسازد. البته خرد ورزی، زبان یا گویش زمینه مشارکت وسیع انسان را در کار اجتماعی مساعد ساخته است در اینجا به صراحت متوجه میشویم که این جنسیت نیست که زمینه مشارکت انسان را فراهم ساخته است بنای فرضیه های مرد سالار زن ستیز از ریشه نادرست و غیر انسانی ثابت میگردند. لذا لیبرال فیمینیست ها کوشیده اند از راه های گوناگون تعریفی مناسبی برای خردورزی با تأکید بر جنبه های اخلاقی یا جنبه های مصلحت جویانه آن ارائه دهند. آنها این پندار را توجیه میکنند: هرگاه عقل به توانایی درک اصول عقلانی اخلاق تعبیر شود تأکید بر ارزش آزادی عمل افراد است. در مقابل، هرگاه عقل به توانایی محاسبه بهترین راه برای نیل به هدفی دلخواه تعبیر شود ارزش خودشگوفایی مورد تأکید قرار میگیرد. در هر حالت لیبرال فیمینیست ها هر تعریفی که از خرد ورزی بدهند تجربه انکشاف جامعه بشری ثابت کرده است که جوامع سالم و پیشرفته همان جوامعی بوده که به شهروندان آزادی عمل برای رفاه داده شده است.

یکی از نظریه پردازان لیبرال فیمینیسم بنام ماری ولستون کرافت Mary Wollstonecraft (۱۷۵۹ - ۱۷۹۷) نویسنده، ادیب و اولین فیمینیست انگلیسی میگوید: «مردان هم اگر همچون زنان خود را در قفس محبوس ببابند همین خصوصیات را که بنام خصوصیات زنانه تحویل میدهند به هم می‌رسانند. مردان هم اگر امکان پرورش قوای عقلانی

خود را نداشتند تا انسانی اخلاقی با دغدغه‌ها و انگیزه‌ها و تعهداتی فراتر از لذات شخصی بشوند به اندازه زنان «عاطفی» می‌شدند، یعنی حساسیت مفرط و افراط در خود شیفتگی و از خود گذشتگی است نه طبیعی».

آنچه را لیبرال فمینیسم تا کنون در جوامع بشری مستدل ساخته است اینکه تفاوت های قابل مشاهده میان زنان و مردان ذاتی نه بلکه نتیجه رشد اجتماعی زنان در زیر سلطه مرد سالاری بوده است. تجربه جامعه بشری بوضاحت می‌رساند که تفاوت رفتار با دختران و پسران که کمابیش از بدو تولد آغاز می‌شود از شگوفایی کامل ظرفیت های انسانی زنان جلوگیری می‌کنند. پژوهشگران فمینیست و خاصاً فمینیست های لیبرال با تحقیقات خود وجود تبعیض علیه زنان و برخورد متفاوت با آنان را نشان داده و همین مسئله را زمینه ساز جایگاه فرودست زنان در جامعه دانسته اند. برای آزاد کردن زنان باید نشان داد که زن و مرد از ظرفیت های یکسان برخوردارند، زنان خصوصیات کامل انسانی دارند و تفاوت میان زنان و مردان ناشی از تفاوت تربیت دختر و پسر و همچنین ناشی از انتظارات متفاوت جامعه از آنان و وجود قوانین تبعیض آمیز است.

اگر دلیل و یا مثالی از نبود بعضی از صلاحیت های فکری، کاری و یا فزیکتی زنان آورده شود و آنرا دلیلی از نابرابری با مردان توجیه گردد باید گفت که آموزش، تربیت و دادن آگاهی نابرابر دختران و پسران از همان آوان کودکی که پسران را به مقاصد دیگر اجتماعی - اقتصادی و دختران را برای نقش های دیگر چون خانه داری، امور منزل، پرورش کودک این دو را متمایز از هم بار می‌آورد. همیشه دختران در معرض آموزش هایی قرار می‌گیرند که آنان را از زنده گی شغلی دور می‌کند و باعث می‌شود آن ها سرنوشت خود را در خانه داری ببینند. درک این نکته مهم است که در واقع، نظام آموزشی مؤلفه ای مهم در روند جامعه پذیری است که نتیجه آن فرودست ساختن زنان است. همین آموزش متفاوت انگاره های مربوط به تفاوت ذاتی زنان و مردان را تقویت می‌کند. در حالیکه اگر از همان بدو تولد در خانواده دختر و پسر را بنام انسان همگون با شرایط برابر بزرگ و تربیت کنند و در هیچ موردی جلو دارش نگردند و سیستم آموزشی هم هر دو را بصورت یکسان آموزش دهند معلوم می‌گردد که هیچ تفاوتی در زمینه جنسیت میان این انسانها وجود ندارد و در صورت عمومی شدن این نظریات انسانی باور عمومی نیز به این سمت معطوف می‌گردد و شک و شبهه هایی این تبعیض جنسیتی را از میان بر میدارد.

به همین مناسبت لیبرال فمینیست ها بر آموزش به عنوان مهم ترین ابزار تقویت عقل و توسعه علم و شناخت طبیعت تأکید می‌کنند. همان طور که در عصر روشنگری گسترش آموزش اصلی ترین راه کشف حقیقت و پیشرفت و توسعه دانسته می‌شد، مدافعان حقوق زنان نیز بر همین موضوع تأکید دارند و آموزش زنان را رمز راهیابی آنان به عرصه آزادی و استقلال و ترقی برشمردند. در نظر آنان همانطور که دنیای قدیم با انحصاری کردن آموزش، مانع درک قوانین طبیعت بوسیله عقل، در میان اکثریت مردم می‌شدند، دنیای جدید هم با انحصاری کردن آموزش در میان مردها، نیمی از جامعه یعنی زنان را از درک قوانین طبیعت بوسیله تقویت درک عقلانی، محروم کرده بود.

فمینیست های لیبرال در باره محصور ساختن زنان در حصار حوزه خصوصی مردان و تقسیم جامعه به حوزه عمومی و خصوصی شدیداً مخالفت اند. آنها تأکید میکنند که یکی از عوامل عقب نگهدارنده زن حصر آن در محدوده ای حوزه خصوصی مرد است که از مشارکت زن در حوزه عمومی جلوگیری بعمل می‌آورد. آنها تأکید میکنند که تقسیم بندی جامعه به حوزه های عمومی و خصوصی که در اثر آن حق مشارکت زنان در جامعه در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اداره و فرهنگ سلب می‌گردد عملیست مرد محور و زن ستیز که قوانین بانئست جلو دار آن گردد.

بتی فریدان Betty Friedan (۱۹۲۱ - ۲۰۰۶) تهداب گذار فمینیسم در امریکا و نویسنده کتاب (رمز و راز زنانه) و سایر فمینیست های لیبرال تأکید بر آن میکنند که زنان باید از تعلق خود به خانه بکاهند و باین باور که خانه جایگاه مناسبی برای زنان است، مقابله کنند. فمینیست های لیبرال در امواج مختلف مبارزات شان تلاش مضاعف بخرچ دادند تا باور عمومی جامعه را به این امر معطوف سازند که مشارکت زنان در چرخ زنده گی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اداره جامعه پویایی را به ارمغان آورده و زنان از حقوق انسانی برخوردار می‌گردند.

یکی از خصوصیات بارز لیبرال فمینیسم عملگرایی این گروه فمینیستی میباشد. آنها بیشتر از نظریه پردازی اجتناب کرده و بیشتر عملگرا میباشند. آنها معتقد اند که با اقدام عملی در درون نظام های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و ایجاد تغییرات حقوقی و عملی میتوان چرخش را برای برابر سازی جامعه نهادینه کرد. آنها به این باور اند که هم از طریق اقدام عملی در درون نظام و هم از طریق اعمال فشار از بیرون نظام میتوان بر دولت و نهاد های وابسته با آن فشار وارد آورد و از این طریق به جامعه برابر انسانی میتوان نایل گشت.

فمینیست های لیبرال با توجه به این واقعیت که نظام سیاسی لیبرال-دموکراتیک در مقابل خواسته های گروه های اجتماعی کم و بیش انعطاف پذیر است از کانال های عادی برای اقناع تصمیم گیرندگان و تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم گیری و سیاست گذاری استفاده می‌کردند. بر این اساس فمینیست های لیبرال اقدامات عملی همچون برگزاری تظاهرات، گردهمایی ها و کنفرانس ها، تشکیل سازمان های اجتماعی متشکل زنان، پیگیری های حقوقی و قضایی

و اعمال نفوذ و فشار بر نهادهای دولتی و سازمان های خصوصی را برای دست یابی به خواست های خود مدنظر قرار دادند.

منتقدان لیبرال فیمینیسم به این باور اند که لیبرال فیمینیست ها تا کنون نتوانسته اند برای تأمین حقوق برابر در جامعه و ایجاد شرایط بهتر زنده گی برای زنان تیوری لازم را ابداع و یا مطرح کنند. همچنان آنها را متهم میکنند که در پی تغییر طبیعت نفیس زنان میباشند و سعی دارند از زنان چهره های خشن مردانه درست کنند و با مشارکت در ارتش ها، باشگاه ها و اردو گاهها نظامی فحشا را مروج ساخته و در پی تخریب خانواده اند. پایان قسمت بیست و هشتم (ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ